



روز برنامه‌ها

صفحه ۲



فراتر از ذائقه خاص

صفحه ۱۲

یادداشت امروز

خدا هرگز گم نمی‌شود

حسین قدیانی

«وقتی مهتاب گم شد» سوسوی ستاره‌هایی است که هرگز نمی‌میرند و لایسی لاله‌هایی است که هرگز پژمرده نمی‌شوند! و حکایت مجنون‌هایی است که هرگز عاقل نمی‌شوند! و داستان دستتانی است که هرگز بسته نمی‌شوند! و قصه رزمندگانی است که هرگز خسته نمی‌شوند! و خس‌خس سینه‌هایی است که هرگز خالی از درد نمی‌شوند! و ماجرای بیسیم‌هایی است که هرگز جدای از عمار، عمار، عمار نمی‌شوند! یاسر! به گوشم... و مدهوش از این همه لفظ خوش و معنای خوش! سلام و درود خدا بر پروانه‌های عاشقی که جزیره را تا ابد، مجنون پرواز خود کردند و هرگز لیلایی جز «شهادت» اختیار نکردند! بچه‌های غربا! بچه‌های جنوب! بچه‌های مرز! بچه‌های جنون! بچه‌های بدر! بچه‌های مرد! ۱۶ ساله‌های بلندتر از بازی‌دراز! خداشناسان شب‌های شناسایی! ره‌اشدگان از قید «من» همان عزیزان که قبل از «من»، ابتدا با روی «من» می‌گذاشتند! آری! «ابتدا سیم‌خاردار نفس!» سلام و درود خدا بر «شهید علی‌چیت‌سازیان» که همیشه می‌گفت: «کسی می‌تواند از سیم‌خاردارهای دشمن عبور کند که در سیم‌خاردار نفس گیر نکرده باشد.» سلام و درود خدا بر «شهید بهرام عطاییان» که روی مین رفت و پایش قطع شد اما به تعبیر زیبای کتاب، هرگز «پایش از جبهه قطع نشد» ماند تا کربلای ۵ و شلمچه! سلام و درود خدا بر «شهید محمدعلی محمدی» که زیر نور مهتاب شب شناسایی، معبری به سوی آسمان گشود! سلام و درود خدا بر «سردار شهید حاج‌حسین همدانی» که در «شب عاشورای انصارالحسین» بیعت را از بچه‌های تحت امرش برداشت تا هیچ‌کس برای ماندن اجباری نداشته باشد! و سلام و درود خدا بر رزمندگانی که تا آخرین قطره خون در صحنه نبرد ماندند! ماندند تا بماتیم! ما بدانیم که امید به خدا، همواره می‌تواند راهی به راهی بگشاید! البته! «وقتی مهتاب گم شد» را ایام عید خواندم تا در موسم دید و بازدید، در هر صفحه‌ای از این کتاب، دیدار ستاره‌ای رفته باشم! ستاره‌ای چون «شهید محمد عرب» که اصلش عراقی بود «ما نامی توانستیم پیکر او را وسط بیابان‌ها کنیم. اصلا فراموش نمی‌کردیم که او چطور مردانه، شهید هانی تکلو را کیلو مترها از میدان مین به عقب آورده بود و حالا دست‌های شل شده و سر افتاده‌اش با هر گام برداشتن ما، بالا و پایین می‌شد و گاهی از روی فاشسه و برانکارد ابتکاری ما، به روی خاک می‌افتاد و دلم را آتش می‌زد. تمام غربت و مظلومیت یک آدم بی‌کس، در سیمایی متلاشی‌شده او پیدا بود. او از عراق آمده بود و اینجا کسی را نداشت. حتی اگر او را تا همدان می‌بردیم، چه کسی برای تشییع او می‌آمد و بسرای او گریه می‌کرد؟!» شهید محمد عرب، یکی از آن ۹۰ نفری بود که راوی خوش‌لفظ و خوش‌معنای کتاب، با آنها «عقد برادری» بسته بود و البته، یکی از آن ۷۵ نفری که از جمع این ۹۰ برادر دینی، جرعه شهادت نوشیدند! آبی خود را بگذارید جای راوی! ۷۵ برادر شهید! ۷۵ برادر شهید، به‌علاوه شهیدان امیر و جعفر خوش‌لفظ که برادر خونی راوی بودند! گفت: «آه، جبهه؛ کو برادرهای من؟!» طرفه حکایت اینجاست که مهم‌ترین قید این «عقد اخوت»، «شفاعت» بود؛ هر که از این جمع، به شهادت رسید، متعهد است دیگر برادران خود را شفاعت کنند! هان از رزمنده همدانی! خوشا به حالت با این همه برادر شهید، با این همه شفیع! ما هم حسرت آنگونه رفتن برادران را می‌خوریم، هم حسرت اینگونه ماندن خودت را! ۷۵ برادر شهید متعهد به شفاعت در حق آدمی، بیشتر به یک رویا می‌ماند! از قضا، گمانم آنچه «وقتی مهتاب...» را، اینچنین خوب خواندنی کرده، نظر لطف و عنایت همه این برادران و همه این شهیدان و همه این شفیعیان به سطر سطر کتاب است. جز این، به شرط شما برای نویسنده محترم، جناب آقای حمید حسام باید اشاره کرد که به تعبیر حضرت آقا، «خود از خیل همین دلدادگان و تجربه‌دیدگان است!» کدام شرط؟! این شرط که «اگر برای خدا نیست، این کتاب را ننویس!» الحمدلله بابت چنین نگاهی! و چنین دیدگاهی!

ادامه در صفحه ۵

کارشناسان و فعالان حوزه اقتصاد معتقدند مشکلات اقتصادی با ادامه سیاست‌های فعلی دولت حل نمی‌شود

نه تولید نه اشتغال!



کسب و کار

صفحه ۳

از ترس لو رفتن و تحریم توسط آمریکایی‌ها، بی‌اعتماد می‌شوند. حتی عمانی‌ها و اماراتی‌ها نیز از انتقال اموال بلوکه ایران وحشت می‌کنند، چرا که اقتصاد ایران به محیط ناامن فعالیت دلالت وزارت خزانه‌داری آمریکا تبدیل شده که از افشای مسیرهای ضدتحریمی سود مضاعف می‌برند!

یادآوری تلخ

موارد یادشده ابتدایی‌ترین نتایج شریک کردن دلالت وابسته به دشمن در اقتصاد سیاسی غیرملی است! پروژه‌های که بلافاصله پس از انعقاد توافق ژنو به عنوان پیش‌آگهی توافق برجام، قیمت نفت را به یک‌چهارم رساند اما وزیر امور خارجه کشورمان در کمیسیون برجام در برابر تذکر دقیق نمایندگان مجلس پیرامون خیز آمریکا برای تغییر «ژئوپلیتیک انرژی جهان» در سایه توافقی هسته‌ای، خشم گرفت و این روند را کاملاً بی‌ارتباط با کاهش شدید قیمت نفت ارزیابی کرد.

مهرداد بن‌زایش در کمیسیون برجام خطاب به ظریف گفته بود: «۵۰ میلیارد دلار پول‌های بلوکه‌های بانک مرکزی را نمی‌توانیم داخل کشور بیاوریم. سیاهه بلندبالایی از تحریم‌ها همچنان وجود خواهند داشت. نکته دیگر اینکه موضوع ژنو که کمتر از ۲ سال است امضا شده، اثرات اقتصادی مطلوبی نداشته و نفت به ۴۲ دلار رسیده؛ نمی‌خواهم بگویم به خاطر ژنو بوده، می‌خواهم بگویم برنامه‌های دیگری که آنها علیه ما اجرا می‌کنند وجود دارد. در عین حال در داخل کشور نیز در زمان ژنو شاخص بورس ۸۹ هزار و ۵۰۰ بود و امروز به ۶۲ هزار رسیده و ۳۰ درصد شاخص بورس کاهش یافته که معنی کلی آن این است که ۱۲۰ هزار میلیارد تومان از دارایی‌های مردم و اشخاص حقیقی از بورس رفته است.»

بسیاری از این اتفاقات تلخ قابل پیشگیری بود اگر دولت در برابر دلسوزان جامعه نیز به قدر تیم مذاکره‌کننده آمریکا، شنوا بود! این حقیقتی تلخ است که آنچه آمریکا با اعمال تحریم‌های فلج‌کننده موفق به انجام آن نشده، در سایه برجام به‌دست آورد. شبکه جناب ضدتحریمی را بدست خود نابود کردیم، متحذلان اقتصادی را از دست دادیم و منافقین و دزدان قافله را شریک اقتصاد ایرانیان و معیشت مردم را با رکود و تورم برجامی بشدت تضعیف کردیم. اکنون برای اعتماد به برجام و برجامیان دیر است و برای سازماندهی نظامات اقتصادی کشور نیازمند عبرت گرفتن از گذشته‌ایم.

پایان یک‌بی‌اعتباری

تاریخ تلخ پسابرجام

روحانی از بر زبان آوردن واقعیات و ذکر شرایط حقیقی پسابرجام اکراه دارد. با همین اطلاعات می‌توان دریافت چرا بودجه عمرانی کشور در سال ۹۵ محقق نشد، بیکاری افزایش یافت و بانک‌ها و صندوق‌های بانکشستگی به مرز ورشکستگی رسیدند. اما چطور به شرایط بدتر از دوره تحریم‌ها سقوط کردیم؟

دوستی با تحریم گر

آنچه را موجب موفقیت دولت احمدی‌نژاد در کم‌اثر کردن محسوس تحریم‌ها و دوام چشمگیر فروش نفت به دولت‌های شرق دور بود می‌توان در ایجاد ساختار مبتکرانه دور زدن تحریم‌ها و راضی نگاه داشتن تجار منطقه‌ای برای معامله پنهان با ایران با کسب سود تضمینی خلاصه کرد. البته که دور زدن تحریم‌ها هزینه داشت اما به واسطه شبکه‌سازی ضدتحریمی در منطقه، به‌رغم قطع سوئیفت و محدودیت‌های بسیار، ریسک انتقال پول به داخل کشور کنترل شد.

غریب‌زبانان از ابتدای روی کار آمدن وزاری

جدید، به اسم اجرای سیاست «تنش‌زدایی» اقدام به صداقت‌ورزی با وزارت خزانه‌داری آمریکا کرده و تجار عالی‌رتبه و بانک‌های همکار با ایران در پروسه دور زدن تحریم‌ها را ناباورانه به دشمن لو دادند! دولت هم شبکه ضدتحریمی را با دلالتان آمریکایی و اروپایی تعویض کرد که هرگز حاضر نبودند ریسک انتقال درآمدهای ارزی ایران از معاملات نفتی و گازی به کشور را بپذیرند.

کار به جایی رسید که دلالتان مفت‌خور اروپایی-آمریکایی‌ها که به واسطه رفتار سیاسی دولت با موضوع اقتصاد، قدرتی بیش از همیشه در ایران یافته بودند، سهم خود از سیاست و اجتماع ایران را طلب کرده و طرح تغییر قرار دادهای نفتی و جوش دادن معامله با شرکت‌های کاغذی با پشت صحنه آمریکایی را برای مهندسی اقتصاد ایران عرضه کردند.

پرواضح است در چنین شرایطی که مدیر مجموعه مالی عالی‌رتبه و قدیمی هالک بانک ترکیه به علت دور زدن تحریم‌ها در آمریکا زندانی شده و سهام این بانک بشدت افت کرده، بانک‌های تاجیکستانی و روسی نیز در انتقال درآمدهای پسابرجامی نفتی ایران به داخل کشور

دیدگاه

زهرا طباطبائی: در نوروز امن و

شیرین ۹۶، وزارت خارجه آمریکا بزرگ‌ترین دیگری به تاریخ پرافتخار «برجام» در طول ۲ سال اخیر اضافه کرد و ۳۰ شرکت و فرد جدید از جمله تجار چین و امارات و کره‌جنوبی را به علت مسرواده اقتصادی با کشورمان تحریم کرد. آخرین دور تحریم‌های پسابرجامی وزارت خزانه‌داری آمریکا بهمن ۹۵ علیه ۱۳ فرد و ۱۲ نهاد مرتبط با ایران وضع شده بود. مطابق قوانین در انتظار تصویب کنگره و دولت آمریکا، بانک‌های کشور چین، سپاه پاسداران و تجار روس از اهداف بعدی لیست تحریم‌ها هستند که به قول «تایلر کولیس» نویسنده حقوق خوانده پایگاه تحلیلی «لابلاگ»، مرگ برجام را تضمین خواهند کرد. اما چرا کار برجام به اینجا کشید؟ چرا مطابق وعده‌های رئیس‌جمهور و تیم مذاکره‌کننده، برجام به سندی تضمینی رفع همه تحریم‌ها علیه ایران در قبال تعطیلی شرایطی برنامه هسته‌ای کشورمان تبدیل نشد؟

برجام ما یا آنها؟

مطابق گزارش نشریه فرانسوی لوموند «پارک اوباما»، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا اجازه احیای اقدامات صمانه علیه ایران را که به تصویب کنگره رسید، صادر کرده است. «شان اسپاسر» سخنگوی کاخ سفید هم اعلام کرده تحریم‌های جدید حاصل تلاش‌های تیم اوباما است.

سبیری در گزارش‌های منتشرشده در اندیشکده‌های نزدیک به دموکرات‌ها در آمریکا که اتفاقاً همزمان با برپایی جشن پیروزی انعقاد «برجام» در وزارت خارجه کشورمان، سند توافق هسته‌ای را حاصل برنامه‌ریزی، تلاش‌های حقوقی و بودجه‌ریزی میلیاردی دلار ۱۰ ساله خود دانسته بودند نیز نشان می‌دهد از ابتدا طرف ایرانی واقع‌بین نبوده و هدف از برجام تحقق خواسته‌هایی بود که با ادامه تحریم‌های سابق محقق نمی‌شد.

سند ضداقتصادی

اکنون زمان بسیار خوبی برای بازخوانی مذاکرات پرتنش تیم مذاکره‌کننده با نمایندگان مجلس شورای اسلامی در کمیسیون برجام است. جلساتی که دولت بارها تلاش کرد پخش تلویزیونی آن را متوقف کند و اتفاقاً در این امر موفق هم بود! اصل انتقادات به سند برجام و ضامن در بخش اقتصادی در چند محور قابل دسته‌بندی است. ۱- برجام غیرحقوقی و غیراقتصادی تدوین شده

دیدگاه

زهرا طباطبائی: در نوروز امن و

شیرین ۹۶، وزارت خارجه آمریکا بزرگ‌ترین دیگری به تاریخ پرافتخار «برجام» در طول ۲ سال اخیر اضافه کرد و ۳۰ شرکت و فرد جدید از جمله تجار چین و امارات و کره‌جنوبی را به علت مسرواده اقتصادی با کشورمان تحریم کرد. آخرین دور تحریم‌های پسابرجامی وزارت خزانه‌داری آمریکا بهمن ۹۵ علیه ۱۳ فرد و ۱۲ نهاد مرتبط با ایران وضع شده بود. مطابق قوانین در انتظار تصویب کنگره و دولت آمریکا، بانک‌های کشور چین، سپاه پاسداران و تجار روس از اهداف بعدی لیست تحریم‌ها هستند که به قول «تایلر کولیس» نویسنده حقوق خوانده پایگاه تحلیلی «لابلاگ»، مرگ برجام را تضمین خواهند کرد. اما چرا کار برجام به اینجا کشید؟ چرا مطابق وعده‌های رئیس‌جمهور و تیم مذاکره‌کننده، برجام به سندی تضمینی رفع همه تحریم‌ها علیه ایران در قبال تعطیلی شرایطی برنامه هسته‌ای کشورمان تبدیل نشد؟

برجام ما یا آنها؟

مطابق گزارش نشریه فرانسوی لوموند «پارک اوباما»، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا اجازه احیای اقدامات صمانه علیه ایران را که به تصویب کنگره رسید، صادر کرده است. «شان اسپاسر» سخنگوی کاخ سفید هم اعلام کرده تحریم‌های جدید حاصل تلاش‌های تیم اوباما است.

سبیری در گزارش‌های منتشرشده در اندیشکده‌های نزدیک به دموکرات‌ها در آمریکا که اتفاقاً همزمان با برپایی جشن پیروزی انعقاد «برجام» در وزارت خارجه کشورمان، سند توافق هسته‌ای را حاصل برنامه‌ریزی، تلاش‌های حقوقی و بودجه‌ریزی میلیاردی دلار ۱۰ ساله خود دانسته بودند نیز نشان می‌دهد از ابتدا طرف ایرانی واقع‌بین نبوده و هدف از برجام تحقق خواسته‌هایی بود که با ادامه تحریم‌های سابق محقق نمی‌شد.

سند ضداقتصادی

اکنون زمان بسیار خوبی برای بازخوانی مذاکرات پرتنش تیم مذاکره‌کننده با نمایندگان مجلس شورای اسلامی در کمیسیون برجام است. جلساتی که دولت بارها تلاش کرد پخش تلویزیونی آن را متوقف کند و اتفاقاً در این امر موفق هم بود! اصل انتقادات به سند برجام و ضامن در بخش اقتصادی در چند محور قابل دسته‌بندی است. ۱- برجام غیرحقوقی و غیراقتصادی تدوین شده

تینتر امروز

حسن روحانی باز هم مدعی شد برجام سایه جنگ را از سر کشور برداشت

اصرار بر دروغ محض!



صفحه ۲

نگاه امروز

ترس و تردید از قرار گرفتن در مرز واقعیت

محمد زعیم‌زاده

به نظر می‌رسد در فاصله کمتر از ۴۵ روز تا انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم، در میان مشاوران و نزدیکان دولت یازدهم برآورد دقیقی درباره موقعیت دولت در آرا و افکار عمومی وجود ندارد، در واقع با اندکی دقت در خروجی کنش سیاسی دولت‌مردان و گفتار و رفتار آنها برآحنی می‌توان گفت تکلیف دولت در آستانه انتخابات درباره نگاه مردم نسبت به عملکردش روشن نیست.

شاید گذر زمان و شیفت طبیعی موقعیت دولت از اپوزیسیون شرایط حاکم به اپوزیسیون، کار را به نقطه‌ای رسانده است که ۲ مولفه «ترس» و «تردید» مهم‌ترین مولفه‌های نگرشی دولت در برداشت از شرایط موجود در افکار عمومی باشد. حمیدرضا جلالی‌پور از حامیان دولت درباره جایگاه دولت در افکار عمومی می‌گوید: «گر سال ۹۶ را با سال ۹۲ که روحانی پیروز شد مقایسه کنیم، باز مشکل رای جمع کردن برای روحانی خود را نشان می‌دهد. رای جمع کردن برای روحانی در شرایط کنونی کار سختی است، دعوت از مردم خصوصاً از افکار ضعیف برای رای دادن به روحانی کار سختی است.»

جلالی‌پور پایه نگرانی خود را نظرسنجی انجام‌شده‌ای می‌داند که در آن، وضع روحانی خوب نبوده است: «توجه به نتایج نظرسنجی اخیر هم این نگرانی را تایید می‌کند. وجه خوب این نظرسنجی این است که تهرانی‌ها اقلاً ۶۰ درصد در انتخابات شرکت می‌کنند اما رای به روحانی ۲۷ درصد بوده که کم است. در ترمینال جنوب و مترو (که افکار متوسط و متوسط به پایین بیشتر حضور دارند) وضع روحانی خوب نبوده است.»

جالب این است که حمیدرضا جلالی‌پور تیر ماه ۹۵ اعتقاد داشت «رای جریان مقابل ما (منتقدان روحانی) حدود ۴ میلیون و رای آقای دکتر روحانی ۲۲ میلیون است و کسب این تعداد رای برای ما آسان است و ما مشکلی در این زمینه نداریم.» اما به نظر می‌رسد دولت نسبت به این حس واقعی و البته تا حدودی ترسناک تاکنون روال و رویه منطقی و چارچوب‌مندی نداشته است. اینکه مسؤولان ارشد دولت وسط خیمه سنگین رکود بر کشور حرف از پایان رکود و رشد نجومی در اقتصاد بزنند و همزمان مراکز معتبر و رسمی از نجومی شدن نرخ بیکاری و رکوردشکنی دولت در این زمینه سخن بگویند یا اینکه وسط مشکلات عدیده اقتصادی مسؤولان دولتی بگویند وعده‌های‌شان عملی شده و شرمنده نیستند یا بدترین پرسش را سوال از موفقیت دولت در اقتصاد مقاومتی بدانند یا علت ناکارآمدی‌های عدیده در خوزستان را نزول عذاب الهی بدانند یا افزایش نرخ جویندگان کار را نشانه امیدواری بدانند! اینها همه و همه نشانه دور بودن مسؤولان ارشد دولت از نبض افکار عمومی جامعه است. اما از سوسوی دیگر نگاه به برخی پژوهش‌های دقیق میدانی که از آرای منفی جناب روحانی را تا حدود ۴۰ درصد تخمین می‌زند یا اندکی تامل در برخی تحلیل‌ها و داده‌پردازی‌های آماری که بعضاً از جانب منابع نزدیک به دولت کار شده است، تردید و ترس و البته شبانزدگی را در رفتار دولت سبب می‌شود.

شاید با استناد به همین آمارهاست که دولت تصمیم گرفته با تمام انرژی، همه آنچه تا دیروز کفر ابلیس و مصادق پوپولیسم می‌دانست و به آنها فحش می‌داد، به یکباره بخشمنا و اجرایی کند؛

ادامه در صفحه ۵